

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لاری رومانوف، گلوبال ریسرچ، ۷، ۱۰، ۱۱ فبروری ۲۰۲۰
برگردان: طلحه حسنی
۰۳ اپریل ۲۰۲۲

بخش دوم: بذرهای تراریخته، سلاحی دیگر

(۲)



به ادامه گذشته:

چندین دهه حمله خشونت‌بار علیه کوبا، یکی از برنامه‌های مشهور جنگ بیولوژیک انجام شده توسط ایالات متحده است که به خاطر طول عمر آن قابل توجه است. ارتش امریکا و سازمان سیا آنقدر از این نوع حمله‌های بیولوژیک علیه کوبا انجام داده‌اند که امروز موزیمی در شهر هاوانا، مدارک و شواهد بسیار قابل توجهی از سال‌ها حمله بیولوژیک علیه این کشور کوچک را به نمایش گذاشته است. جفری سنت‌کلر در مقاله‌ای از تعدادی از این موارد به قرار زیر یاد می‌کند: «اولین مورد به ثبت رسیده از تب خوکی در نیم کره غربی، مربوط به کوبا در سال ۱۹۷۱ است، که در نتیجه آن ۵۰۰ هزار خوک‌وحشی (گراز) تلف شدند. کوبا ایالات متحده را به وارد کردن این ویروس به کشور متهم کرد، و بعدها یک عامل سیا پذیرفت که وی این ویروس را به کوبائی‌های تبعیدی در پاناما تحویل داد تا آن را به داخل کوبا ببرند. خبر این اعتراف منتشر شد، اما رسانه‌های ایالات متحده بر آن چشم بستند. در سال ۱۹۸۱، فیدل کاسترو سیا را به خاطر شیوع تب دنگیو در کوبا مورد سرزنش قرار داد. این تب ۱۸۸ نفر از جمله ۸۸ کودک را کشت. در سال ۱۹۸۸، یک رهبر تبعیدیان کوبائی به نام ادواردو آروسینا اعتراف کرد که در سال ۱۹۸۰ مقداری میکرب وارد کوبا کرده بود. مورد دیگر مربوط است به شیوع تریپس پالمی (thrips palmi)، حشره‌ای که محصول سیبزمینی، درخت آلو و دیگر سبزیجات را از بین می‌برد. تریپس ابتداء در ۱۲ دسمبر ۱۹۹۶ در پی پرواز با ارتفاع پائین هواپیماهای اسپری‌کننده دولت امریکا در کوبا دیده شد. ایالات متحده موفق شد از تحقیقات ملل متحد درباره این حادثه جلوگیری نماید. این‌ها تنها بخش کوچکی از حملات بیولوژیک امریکا علیه کوبا هستند. در سال ۱۹۷۹، واشنگتن‌پست گزارش‌هایی از

برنامه قدیمی جنگ بیولوژیک علیه کشاورزی کوبا را که حداقل از سال ۱۹۶۲ توسط اداره جنگ‌های بیولوژیک سیا انجام می‌گرفت، منتشر کرد. ایالات متحده در سال ۱۹۸۰، فکر می‌کرد که یک عنصر بیولوژیک کشف کرده است که می‌تواند نژاد روس را هدف قرار دهد و یک کشتی از فلوریدا با مأموریت «حمل مقداری از این میکرب به کوبا برای استفاده علیه شوروی‌ها» اعزام کرد. و حدود ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، دولت کوبا بار دیگر ایالات متحده را به استفاده از سلاح‌های بیولوژیک متهم کرد که پاتوژن‌های بیولوژیک را ضمن «پروازهای شناسایی» غیرقانونی روی مزارع کوبائی اسپری می‌کرده‌اند. همچنین با صراحت گزارش شده است که در زمان بحران راکتی کوبا، مقدار عظیمی از سلاح‌های کیمیائی و بیولوژیک در هواپیماهای نظامی امریکا آماده استفاده علیه کوبا بارگیری شده بودند.

تلاش‌های جنگ بیولوژیک امریکائی، شامل تعدادی از پاتوژن‌های ویروسی، سرطان‌ها و مواد کیمیائی علیه حداقل چند کشور امریکای مرکزی و جنوبی انجام گرفته است. سنت کلر در مقاله خود به اپیدمی تب دنگیو، که از ماناگونه در نیکاراگونه ناگهان سربر آورد و موجب بیماری جدی بیش از پانصد هزار نفر و مرگ بسیاری از آنها شد، اشاره می‌کند. این حمله در طول جنگ سازمان سیا علیه دولت ساندنیست‌ها اتفاق افتاد و شیوع بیماری درست بعد از یک سری «پروازهای شناسایی» با ارتفاع پائین توسط امریکائی‌ها بر فراز ماناگونه آغاز شد.

همچنین منابع متعددی با اطمینان گزارش داده‌اند که ارتش ایالات متحده از هائیتی به عنوان نوعی آزمایشگاه بیولوژیک «برای همه فصول» استفاده می‌کرده است، و رسانه‌های ایالات متحده، در حالی که جمعیت محلی در معرض تقریباً هر چیز قابل تصویری بودند، بشدت مراقب بودند تا کمترین اطلاعاتی به بیرون درز نکند. و شرم‌آورتر رفتاری بود که با شهروندان هائیتی که مرتکب خطای «پناهجویی با قایق» می‌شدند، صورت می‌گرفت. یعنی کسانی که برای فرار از آزمایشگاه‌های پاتولوژی امریکا، راه مهاجرت با قایق‌های کوچک به ایالات متحده را در پیش می‌گرفتند. دولت ایالات متحده بیشتر آنها را به پورتوریکو پس می‌فرستاد تا به عنوان خوک‌های گینه‌ئی و موش‌های آزمایشگاهی استفاده شوند، جایی که دور از چشم کنگره و رسانه‌ها باشند، و بنا بر گزارش‌ها، در اردوگاه‌هایی نگهداری شوند که روی آنها هر گونه «آزمایش علمی» که در وطن خود از آن فرار کرده بودند، انجام شود. حدود ۱۹۸۰، در یک مورد در بدن صدها مرد اهل هائیتی زندانی در این اردوگاه‌ها، بعد از تزریق مکرر هورمون‌های ناشناس توسط پزشکان ارتش ایالات متحده، سینه کامل زنانه رشد کرد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که همین آزمایش روی افرادی که دور از چشم مردم در یک پایگاه نظامی در فلوریدا نگهداری می‌شدند، نیز انجام شد.

مورد دیگر، پیدا شدن عجیب کموبیش هم‌زمان سرطان بین رهبران کشورهای امریکای جنوبی به‌اضافه کوبا است. که در همه موارد از اتفاق، آلودگی مربوط به رهبران کشورهایی بود که پیش‌تر مورد نفرت ایالات متحده قرار داشتند و برای برکناری‌شان از قدرت از راه‌های گوناگون تلاش شده بود. برای نمونه می‌شود از هوگو چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا، رئیس‌جمهور ارجنتاین کریستینا فرناندز دوکریشنر، دیلما روسف رئیس‌جمهور سابق برازیل، فرناندو لوگو پاراگونه، و رئیس‌جمهور پیشین برازیل لویس ایناسیو لولا داسیلوا نام برد. رئیس‌جمهور پیشین برازیل درباره این سرطان‌ها در مصاحبه‌ای گفت: «حتی با قانون احتمالات، توضیح چیزی که برای رهبران امریکای لاتین اتفاق افتاده، بسیار سخت است. حداقل بسیار عجیب است، بسیار عجیب.»

همکاری مخفیانه جاپان و ایالات متحده امریکا در جنگ جهانی دوم

وقتی جاپانی‌ها در سال ۱۹۳۲ به شمال شرق چین حمله کردند، دکتر «شیرو ایشی» برنامه رسوای آزمایشات بیولوژیک جنگی خود را در منطقه‌ای نزدیک به هاربین، تحت پوشش یک واحد تصفیه آب شروع کرد که بعدها واحد

۷۳۱ نام گرفت. او کار خود را با انواع گازهای سمی شامل گاز خردل آغاز کرد و سپس پنبه و سبوس برنج آلوده به طاعون خیارکی را با هواپیما در مناطق مرکزی چین پخش کرد. واحد او چینی‌هایی را که در برابر اشغال جاپانی‌ها مقاومت می‌کردند، برای انجام خشونت‌بار کالبدشکافی زنده استفاده می‌کردند. نیویورک تایمز نمونه‌ای از توضیحات یک پزشک جاپانی از آزمایشاتش را از زبان خود او گزارش کرد :

«من از سینه تا شکم او را بریدم و او به شکل وحشتناکی فریاد می‌زد و صورتش یک پارچه درد و عذاب بود. صداهای غیرقابل تصویری درآورد و همچنان به شکل وحشتناکی نعره می‌زد. اما بالاخره ساکت شد. این تمام یک روز کاری من برای جراحی بود، اما واقعاً روی من تأثیر گذاشت برای این که اولین بارم بود.» ۲۹

ایشی ابتداء از اعضای تیمش می‌خواست که قربانیان را با سیاه‌زخم، وبا، حصبه، کزاز، اسهال، سفلیس، طاعون خیارکی و دیگر پاتوژن‌ها آلوده کنند، بعد برای بررسی نتایج، زمانی که هنوز زنده هستند کالبدشکافی نمایند و در آخر شواهد را بسوزانند. بخش جراحی عمومی ارتش ایالات متحده تعداد چینی‌های کشته شده در نتیجه جنایاتی که برخی از برجسته‌ترین پزشکان جاپانی مرتکب شدند را ۵۸۰ هزار نفر تخمین زد. ۳۰

در پایان جنگ، زمانی که دیگر معلوم بود که جاپان بازنده آن خواهد بود و باید خاک چین را تخلیه نماید، ایشی دستور داد تا تمامی چینی‌های زندانی باقی‌مانده را بکشند و جسد آنها را آتش بزنند. سپس برای از بین بردن هرگونه اثری از آزمایش‌هایش تمامی واحد ۷۳۱ را با مواد منفجره نابود نمایند. همان موقع، جنرال داگلاس مک‌آرتور، فرمانده نیروهای ائتلاف در جاپان، یک معامله پنهانی با ایشی و تمام کارکنان واحد ۷۳۱ انجام داد. طبق این معامله، امریکا در مقابل لاپوشانی کامل همه شواهد این فعالیت‌ها و تضمین مصونیت آنها از پیگیری قانونی جنایات جنگی، همه گزارشات آزمایش‌های جنگ بیولوژیک و کالبدشکافی‌های افراد زنده را جهت مطالعه به ارتش امریکا انتقال داد. ۳۱

ایشی تنها در یک مورد بیش از ده‌هزار صفحه از «یافته پژوهش‌ها»ی خود را به ارتش امریکا تحویل داد. بعد از این، امریکایی‌ها کتاب‌های تاریخ جاپان را چنان بازنویسی کردند که نه جاپانی‌ها و نه مردم سراسر جهان از بربریت گسترده اعمال شده در چین خبری نداشته باشند؛ و نیز از این که، ارتش امریکا بیشتر متخصصان و افراد وارد به روش‌های انجام آزمایش سلاح‌های کیمیایی و بیولوژیک روی انسان را استخدام کرد تا بعدها وسیعاً در کوریا و ویتنام و حتی داخل امریکا استفاده نماید.

مک آرتور در ۶ ماه می ۱۹۴۷ به واشنگتن نوشت، «احتمالاً باید به جاپانی‌های مسؤل در این بخش گفته شود که از اطلاعات بیشتر و برخی گزارش‌های ایشی در کانال‌های اطلاعاتی حفاظت خواهد شد و هرگز به عنوان شواهد «جنایات جنگی» به کار نخواهند رفت.» تعدادی از جاپانی‌ها توسط نیروهای شوروی به خاطر جنایات بیولوژیک علیه روس‌ها، دستگیر شدند و در دادگاه جنایات جنگی خاباروسک در ۱۹۴۹ محاکمه شدند، با این وجود، امریکایی‌ها برای لاپوشانی نقش خود در این جنایات، همه شهادت قربانیان نجات‌یافته را رد کردند و دادگاه جنایات جنگی جاپان را «یک پروپاگاندا کی‌مونیستی» خواندند. ۳۲ و ۳۳

نه تنها دولت و ارتش ایالات متحده برای دکتر ایشی و همکاران او مصونیت کامل از پیگردهای قانونی فراهم کردند، بلکه تمامی این گروه را به امریکا بردند و مخفیانه در پایگاه‌های نظامی ایالات متحده جای دادند و همگی را در لیست حقوق‌بگیران ارتش امریکا وارد کردند. ایشی برای سال‌ها بارها سخنران مهمان در دانشکده جنگ بیولوژیک ارتش ایالات متحده در فورت دتریک بود و تا زمان مرگش، چندین دهه یک پست پردرآمد به عنوان استاد تمام و ناظر تحقیقات بیولوژیک در دانشگاه مریلند به وی داده شده بود. تنها در سال ۱۹۹۵ بود که ارتش ایالات متحده پذیرفت که در مقابل دریافت نتیجه تحقیقات سلاح‌های بیولوژیک و آزمایش‌های انسانی، به دانشمندان و پزشکان جاپانی مصونیت

قانونی، هویت محرمانه، شغل‌های خوب با حقوق‌های بالا عرضه کرده است. این افراد نه تنها در ارتش، بلکه در «سی‌دی‌سی» (مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها)، وزارت خارجه، دپارتمان اطلاعات نظامی، سازمان سیا، و وزارت کشاورزی ایالت متحده، همگی برای کار روی «پروژه‌های محرمانه دولت» استخدام شدند. فصل ختام

رهبران سیاسی و نظامی ایالات متحده و نیز مقامات سیا، از همان اولین روزهای آزمایش‌های سلاح‌های بیولوژیک، در پی پنهان کردن علاقه خود برای گسترش روش‌های آلوده کردن افراد به سرطان، به عنوانی روشی با قابلیت انکار عالی برای خلاص شدن از دست رهبران کشورهایی که دوست‌شان ندارند، نبودند. کارنامه ایالات متحده با داشتن سابقه ترور ۱۵۰ رهبر سیاسی در کشورهای دیگر گواهی بر این مدعاست.

جذابیت سلاح‌های بیولوژیک نه تنها در کارایی‌بالای آنها برای قتل عام، بلکه در مقایسه جنگ با سلاح‌های شلیک‌کننده، کاملاً مقرون به صرفه است. همچنین، سلاح‌های ژنتیک را می‌توان به اشکال مختلف با استفاده از حشرات آلوده به ویروس‌ها یا باکتری‌ها، و یا پیوند زدن به بذرها، دستکاری ژنتیکی شده، پخش کرد. کشف و شناسایی این سلاح‌ها، و یافتن درمان یا واکسین برایشان، اغلب نیاز به سال‌ها زمان دارد.

دکتر لئونارد هورویتز، افشاگر مشهور صنایع داروسازی، به نقل از متخصصی که برای حمله بیولوژیکی برنامهریزی می‌کرد، می‌گوید، «با زیرکی ظریفی می‌شود آن را به شیوع طبیعی یک بیماری شبیه ساخت. این باعث تأخیر در یافتن پاسخ به بیماری، و مانع روند تصمیم‌گیری می‌شود. حتی اگر به ترور بیولوژیک مشکوک باشید، به سختی قادر به اثبات آن خواهید بود. به همان اندازه، رد کردن آن هم دشوار است... شما می‌توانید انتقال اسلحه را ردگیری کنید، اما ردگیری اصل یک ویروس که یک حشره حامل آن باشد تقریباً غیرممکن است.»

نویسنده دیگری یادآور می‌شود که انتشار کاملاً حساب شده یک عامل آلوده، تشخیص و درمان را دشوار می‌سازد، به اضافه این که چون این نوع سلاح‌های بیولوژیک قابل ردگیری به سرچشمه‌شان نیستند، می‌تواند به عنوان «کار خدا» محسوب شود.

به نظر می‌آید بسیاری از بیماری‌های اخیراً شایع شده، احتمالاً منشأ سلاح بیولوژیک داشته باشند: ایدز، سارس، مرس، آنفولانزای مرغی، آنفولانزای خوکی، هانتا ویروس، بیماری لایم، ویروس نیل غربی، ابولا، فلج (سوریه)، بیماری پا و دهان، سندروم جنگ خلیج و زیکا.

رسانه‌های غول‌پیکر غربی تمامی این‌ها را نادیده می‌گیرند، این بخش تاریخ را سانسور می‌کنند و حتی در اینترنت با «گوگل» و «بینگ» راه را برای یافتن این حقایق مسدود می‌نمایند. یک بار دیگر، آزادی بیان به طور کامل بستگی به کسانی دارد که بلندگوها را کنترل می‌کنند.

• این عنوان توسط مترجم بر این مجموعه گذاشته شده و بقیه عناوین متعلق به نویسنده مقاله است.
منابع نویسنده

21. www.motherearthnews.com/real-food/adding-a-fish-gene-into-tomatoes-zmaz00amzgoe

28. GM corn set to stop man spreading his seed; www.theguardian.com/science/2001/sep/09/gm.food

29. http://www.democraticunderground.com/discuss/duboard.php?az=view_all&address=104×3738803

26. www.globalresearch.ca/u-s-drops-fleas-with-bubonic-plague-on-north-korea/5474089

27. www.latimes.com/archives/la-xpm-2012-sep-10-la-me-hantavirus-mystery-20120911-story.html

30. www.cs.amedd.army.mil/borden/Portlet.aspx?ID=66cffe45-c1b8-4453-91e0-9275007fd157

31. ahrp.org/conspiracy-of-denial-complicity-of-u-s-government-in-japans-fabricated-history-decades-of-willful-national-amnesia/

32. medium.com/@jeff_kaye/department-of-justice-official-releases-letter-admitting-u-s-amnesty-of-unit-731-war-criminals-9b7da41d8982

33. www.latimes.com/archives/la-xpm-1988-12-18-me-1014-story.html

مجله دانش و امید- شماره ششم